

## بررسی فقر در حوزه آبریز کرخه بین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۲

احمد اسدزاده

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه تبریز

(تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۹ - تاریخ تصویب: ۹۱/۶/۱۴)

### چکیده

مطالعه حاضر با استفاده از روش تغذیه متعادل در تعریف خط فقر به مطالعه وضعیت فقر در مناطق روستایی و شهری حوزه آبریز کرخه پرداخته است. بدین منظور داده‌های مربوط به پرسشنامه درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۳ که توسط مرکز آمار ایران تهیه گردیده، مورد استفاده قرار گرفته است. ابتدا روش‌های مختلف تعیین خط فقر بررسی شده، خط فقر پولی برای مناطق روستایی و شهری کشور جداگانه ارایه گردید، سپس با استفاده از شاخص‌های مختلف فقر وضعیت فقر در کشور و حوزه آبریز کرخه بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد در کل دوره مورد مطالعه خط فقر در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری بوده اما گسترش فقر در مناطق روستایی بیشتر از شیوع آن در مناطق شهری است. در مناطق شهری و روستایی حوزه آبریز کرخه، طی دوره ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ فقر بطور هماهنگ لیکن با اندکی تفاوت نسبت به کل کشور افزایش یافته است، اما در سال ۱۳۸۳ فقر در کل کشور و نیز حوزه آبریز کرخه به شدت کاهش یافته است.

### واژه‌های کلیدی: خط فقر، حوزه آبریز کرخه، شاخص FGT

#### مقدمه

پیش از این، تحقیقات متعددی به بررسی فقر در سطح ملی و استانی در کشور پرداخته‌اند. بررسی فقر در یک حوزه آبریز که مناطق مختلف و بخش‌هایی از استان‌های متعدد را در برمی‌گیرد می‌تواند به ویژگی‌های خاص حوزه آبریز در بروز و گسترش فقر رهنمون گردد. در این تحقیق به بررسی فقر در حوزه آبریز کرخه که مناطقی از هفت استان در غرب و جنوب غربی کشور را در بر می‌گیرد، پرداخته می‌شود. بطور کلی در مطالعات مربوط به فقر دو موضوع عمده مطرح است: موضوع اول مربوط به شناسایی افرادی است که فقیر بشمار می‌آیند. بدین منظور لازم است یک خط فقر غذایی یا پولی برآورد شود تا بر اساس

آن افراد و یا خانوارهایی که مصرف روزانه آن‌ها کمتر از مقدار فوق است شناسایی شوند. موضوع دوم جمع بندی اطلاعات درباره فقر است. این موضوع مستلزم محاسبه شاخص‌هایی است که با استفاده از اطلاعات و آمار مربوط به فقرا، وضعیت و یا شدت فقر را برآورد کند. این مطالعه، نخست به برآورد خط فقر غذایی در حوزه آبریز کرخه پرداخته، سپس به برآورد شاخص‌هایی برای بررسی فقر در حوزه آبریز کرخه می‌پردازد.

منبع اصلی داده‌های آماری در مورد توزیع درآمد تکمیل پرسشنامه از مشخصات اجتماعی و اقتصادی خانوارهای نمونه است. مرجع اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها در سطح خانوار مرکز آمار ایران است که در آمد و هزینه خانوارها را برای خانوارهای نمونه در مناطق

شهری و روستایی تهیه می‌نماید.

جدیدترین داده‌ها در مورد درآمد و هزینه خانوارها برای سال ۱۳۸۳ در اختیار است که شامل ۲۴ هزار خانوار در سطح کشور می‌شود. به منظور تحلیل تغییرات دوره ای در وضعیت فقر داده های آماری سه دوره ۱۳۶۲، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۳ مورد استفاده قرار گرفته است. تعداد خانوارهای نمونه به تفکیک مناطق شهری و روستایی و برای سال‌های مورد مطالعه در جدول (۱) ارایه گردیده است.

جدول ۱- تعداد خانوارهای نمونه در نمونه گیری روستایی و شهری

سال	روستایی	شهری	کشور
۱۳۶۲	۳۲۱،۱۲	۶۸۳،۱۴	۰۰۴،۲۷
۱۳۷۲	۹۵۴،۵	۷۳۳،۶	۶۸۷،۱۲
۱۳۸۳	۸۴۱،۱۲	۵۹۹،۱۱	۴۴۰،۲۴

مأخذ: مرکز آمار ایران

بر اساس طبقه بندی رسمی کشور اطلاعات مربوط به درآمد و هزینه خانوارها از ۳۰ استان جمع آوری شده است. با این حال، در حوزه آبریز کرخه لازم است مرزبندی استانی کنار گذاشته شود. حوزه آبریز کرخه در منطقه ای به وسعت ۵/۰۸ میلیون هکتار و در ۷ استان شامل، همدان، ایلام، کرمانشاه، خوزستان، کردستان، لرستان و مرکزی واقع شده است. چالش عمده در تحقیق حاضر شناسایی آن بخش از خانوارهایی بود که در حوزه آبریز قرار گرفته‌اند. یک راه حل ممکن، نادیده گرفتن حوزه آبریز و استفاده از مرزبندی استانی است به طوری که با ادغام داده‌های مربوط به خانوارهای ۷ استان بتوان به نمونه مورد نظر دست یافت. در این روش تعداد خانوارها از هر استان متناسب با سهم جغرافیایی هر استان در حوزه آبریز خواهد بود.

روش بهتر شناسایی بلوک‌های واقع در بخش‌ها و شهرهای حوزه آبریز است. این روش زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که شناسه و یا کد مربوط به بلوک‌ها و بخش‌ها در اختیار باشد. خوشبختانه پس از مراجعه مکرر به مرکز آمار ایران امکان دسترسی به کد بخش‌ها و شهرستان‌ها برای نمونه گیری ۱۳۸۳ فراهم شد. بنابراین، نمونه خانوارهای واقع در محل حوزه آبریز

کرخه به صورت دقیق‌تری مورد شناسایی قرار گرفته اند. جدول (۲) توزیع خانوارها را در حوزه آبریز کرخه نشان می‌دهد.

جدول ۲- توزیع خانوارهای نمونه در حوزه آبریز

زیر حوزه	روستایی	شهری	کل
قره‌سو	۲۱۴	۲۸۵	۴۹۹
کرخه جنوبی	۱۳۵	۱۱۵	۲۵۰
سیمره	۴۲۴	۳۵۵	۷۷۹
گام‌آسیاب	۴۱۴	۳۹۳	۸۰۷
کشکان	۲۰۱	۱۷۰	۳۷۱
حوزه آبریز کرخه	۱۳۸۸	۱۳۱۸	۲۷۰۶

مأخذ: یافته های تحقیق

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در ادبیات مربوط به مطالعات فقر به دو مفهوم از فقر اشاره می‌شود، فقر مطلق و فقر نسبی. شاخص‌های نابرابری نظیر ضریب Gini، شاخص Theil و Atkinson فقر نسبی را اندازه گیری می نمایند. اگر درآمد به صورت مساوی توزیع گردد، فقر نسبی از بین خواهد رفت. با این وجود، مشکل جدی در کشورهای در حال توسعه وجود فقر مطلق است. فقر مطلق به فقدان منابع درآمدی لازم برای تأمین حداقل معیشت نظیر غذا، سرپناه، پوشاک و نظیر آن اطلاق می‌گردد. فقر یک پدیده چند بعدی است که می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. از جمله دلایل فقر می‌توان به درآمد سرانه پایین، نبود فرصت‌های شغلی، فقدان زیرساخت‌های ارتباطی، سیستم‌های آب رسانی، کم اشتغالی، پایین بودن بهره‌وری کار و منابع (آب و زمین)، عدم توسعه منابع انسانی، کمیابی عوامل تولیدی، رشد سریع جمعیت، توزیع نابرابر درآمد به علت نبود سیستم مالیاتی کارآمد، نبود نظام تأمین اجتماعی و غیره اشاره کرد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۷۵) در هنگام تهیه طرح فقر زدایی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نتایج پرسشنامه ۲۰ هزار نفری از درآمد و هزینه های خانوارهای شهری و روستایی در کشور روش حداقل کالری را برای تعیین خط فقر مورد استفاده قرار داده است. در برآورد آن‌ها چون اجاره بها سهم عمده ای

مستقیم به شناسایی خانواده های فقیر پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از داده های درآمد و هزینه های خانوار های مربوط به سال ۱۳۷۹ نتیجه گیری نموده‌اند که بار تکفل و ارزش دارایی‌های خانوارها بیش از عوامل جغرافیایی و جمعیتی بر روی فقر تأثیر گذار می باشند. همچنین آن‌ها با بررسی گروه شاغلین به این نتیجه رسیده‌اند که بی سوادی سرپرست خانوار بیشترین تأثیر را بر وضعیت فقر خانوارها دارد. با مرور ادبیات و مطالعات تجربی فقر در ایران ملاحظه گردید که مطالعه ای در زمینه بررسی فقر در حوزه آبریز کرخه انجام نگرفته است.

### مواد و روش‌ها

#### برآورد خط فقر غذایی

روش‌های مختلفی در ادبیات توزیع درآمد و فقر برای محاسبه خط فقر غذایی پیشنهاد شده است که از مهم‌ترین این روش‌ها خط فقر کالری، خط فقر تغذیه متعادل<sup>۱</sup>، روش انگل، روش رگرسیونی پل<sup>۲</sup> و روش اجماعی<sup>۳</sup> را می‌توان نام برد که شرح یکایک آن‌ها از عهده این مطالعه خارج است. روشی که در مطالعه فقر غذایی حوزه آبریز کرخه اتخاذ می‌شود مبتنی بر تحقیقات مؤسسه علوم تغذیه ایران است. این مؤسسه مطابق جدول (۳) میزان کالری مورد نیاز را برای گروه های سنی مختلف برآورد نموده است. در تحقیق حاضر، ابتدا بر اساس توزیع سنی جمعیت خانوارها و قیمت‌های مختلف مواد خوراکی، هزینه تهیه سبد مصرفی مربوط به حداقل کالری روزانه برای مناطق روستایی و شهری به تفکیک محاسبه گردیده است. طبق برآورد این تحقیق بر اساس قیمت‌های سال ۱۳۷۱ هزینه سرانه تغذیه متوازن در مناطق روستایی ۹۸۹۰۵ ریال و در مناطق شهری ۱۲۳۲۹۶ ریال بوده است. بنابراین، خانوارهایی که دارای درآمد سرانه ای کمتر از مبلغ فوق می باشند جزو جمعیت فقیر محسوب می شوند.

از هزینه‌های خانوارها را در مناطق شهری تشکیل می‌دهد تفاوتی را بین خط فقر خانوارهای مالک مسکن و اجاره نشین قایل شده‌اند. بر اساس برآورد فوق در سال ۱۳۷۵ هزینه ماهیانه ای کمتر از ۳۶۴۱۸۴ ریال زیر خط فقر تلقی شده است. با در نظر گرفتن هزینه اجاره مسکن در همان سال خط فقر برای خانوارهای اجاره نشین شهری ۳۷۹۴۶۵ ریال برآورد شده است. برای خانوار شهری مالک مسکن مبلغ فوق ۲۸۰۶۰۰ ریال برآورد شده بود. طبق این تعریف از خط فقر، ۱۲/۲ درصد خانوارها در مناطق شهری در زیر خط فقر مطلق به سر برده‌اند. در مناطق روستایی مطابق نتایج تحقیق سازمان مدیریت و برنامه ریزی خط فقر معادل ۳۱۵۵۲۸ ریال برآورد شده است که بر اساس این تعریف از خط فقر در سال ۱۳۷۵ در کل کشور ۲۶/۲ درصد خانوارهای روستایی در زیر خط فقر قرار داشته‌اند.

مجدداً در سال ۱۳۸۴ سازمان مدیریت و برنامه ریزی خط فقر را برای خانواده های ۵ نفری در مناطق شهری ۲۸۰۰۰۰۰ ریال برآورد نمود. خانوارهایی که درآمد ماهیانه ای کمتر از این مبلغ داشته‌اند، فقیر شناخته می‌شدند. بیشتر تحقیقات انجام گرفته در زمینه فقر در ایران بر روی مناطق شهری و روستایی در سطح کشور متمرکزند و در بررسی‌های محدودی تحلیل فقر به استان خاص پرداخته، برای مثال (Piraei 2000) فقر را در استان مازندران و (Assadzadeh 2000) فقر غذایی را در استان آذربایجان شرقی بررسی کرده‌اند.

تلاش‌هایی نیز برای تعیین عوامل تأثیر گذار بر وضعیت فقر در ایران صورت گرفته. برای مثال (Torkamani & Jamali Mogaddam 2006) سعی نموده‌اند اثرات مخارج عمومی دولت را بر کاهش فقر در مناطق روستایی و شهری بررسی نمایند. با استفاده از داده های سری زمانی برای مدت ۱۳۵۰ - ۱۳۸۰ و با به‌کارگیری تحلیل رگرسیون آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که مخارج دولت برای توسعه مناطق روستایی و گسترش راه های روستایی، تحقیق و توسعه و آبیاری اثری کاهنده و معنی داری روی فقر روستاها داشته است. Arabmaza & Hosseininejad (2004) با استفاده از روش غیر

1. Balanced diet approach  
2. Paul  
3. Consensual approach

جدول ۳- حداقل کالری مورد نیاز گروه‌های سنی مختلف

سن افراد							
گروه سنی	۵-۱۲	۱-۳	۴-۶	۷-۱۰	۱۱-۱۸	۱۹-۲۲	۲۳-۵۰
	ماه	سال	سال	سال	سال	سال	سال
حداقل کالری مورد نیاز	۸۲۰	۱۳۶۰	۱۸۳۰	۲۱۹۰	۲۵۸۵	۲۶۰۰	۲۶۰۰

مأخذ: موسسه مطالعات تغذیه ایران

غیرخوراکی به خوراکی (در سطح متوسط)، سهم غیر خوراکی از خط فقر به هزینه تغذیه متوازن اضافه گردید. تا این مرحله، خط فقر بر اساس قیمت‌های سال ۱۳۶۸ مشخص شده است. در اقدامی دیگر، با استفاده از شاخص بهای خرده فروشی کالاها و خدمات مصرفی رقم بدست آمده تبدیل به قیمت سال پایه ۱۳۷۸ گردید. همان طوری که پیش‌بینی می‌شد خط فقر شهری بالاتر از خط فقر روستایی می‌باشد.

ممکن است فرض شود خانوارهایی که بیش از حداقل مورد نیاز برای خرید مواد خوراکی اقدام می‌کنند به اندازه کافی درآمد دارند تا نیازهای غیر خوراکی اعضای خانوار را تأمین نمایند، اما دلیلی برای درست بودن این فرضیه وجود ندارد. به عبارت دیگر لازم است برآوردی از خط فقر داده شود که حداقل‌های لازم از مواد خوراکی و غیر خوراکی برای یک خانوار را به طور همزمان تأمین نماید. بنابراین، با استفاده از نسبت هزینه‌های

جدول ۴- مراحل برآورد خط فقر در ایران

بخش	هزینه سرانه تغذیه متعادل بر اساس قیمت‌های سال ۱۳۶۸	نسبت هزینه‌های غیرخوراکی به کل هزینه‌ها در سال	سهم هزینه‌های غیر خوراکی خط فقر بر حسب قیمت‌های سال	خط فقر بر حسب قیمت‌های سال	خط فقر بر حسب قیمت‌های سال	خط فقر سرانه، روزانه، بر حسب دلار آمریکا
	(ریال)	<sup>+</sup> ۱۳۸۳	۱۳۶۸	(۴) ۱۳۶۸ (ریال)	(۵) ۱۳۷۸* (ریال)	
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
روستایی	۹۸۹۰۵	۰/۶۵	۶۴۲۸۸	۱۶۳۱۹۳	۹۵۶۵۸۳	۰/۸
شهری	۱۲۳۲۹۶	۰/۷۶	۹۳۷۰۵	۲۱۷۰۰۱	۱۲۷۱۹۸۵	۱/۲

+ بدست آمده از پرسشنامه‌های درآمد و هزینه خانوارها، مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) \* بدست آمده با استفاده از شاخص قیمت‌های سال‌های مختلف در سال پایه ۱۳۷۶.

بعدی آرایه شاخصی است که وضع و شدت فقر را مشخص نماید. ادبیات وسیعی در مورد شاخص‌های فقر وجود دارد که مرور کاملی را می‌توان در آثار (Atkinson 1987)، (Alkire and Foster 2011)، (Ravallion 2011) و (Christiaensen and Shorrocks 2012) یافت. اغلب محققان در زمینه فقر بر این باورند که یک شاخص خوب باید حداقل دو اصل موضوعه زیر را تأمین نماید. ۱- اصل یکنواختی (Monotonicity) اگر سایر عوامل ثابت بماند، کاهش درآمد فردی که در زیر خط فقر قرار دارد باید موجب افزایش شاخص فقر شود. ۲- اصل انتقال (Transfer) اگر سایر عوامل ثابت بماند، صرف انتقال درآمد از فردی که زیر خط فقر قرار

در ستون آخر جدول (۴) خط فقر برای هر نفر در روز بر حسب دلار آمریکا محاسبه شده است. با توجه به تفاوت‌های مناطق شهری و روستایی، می‌توان ملاحظه نمود که تعریف فوق با برآورد بانک جهانی برای خط فقر در کشورهای در حال توسعه مطابقت دارد. در بررسی‌های بانک جهانی ضابطه یک دلار در روز برای اندازه‌گیری فقر در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته استفاده می‌گردد، اگر چه عده‌ای از محققین مناسب بودن ضابطه یک دلار در روز را مورد تردید قرار داده‌اند (Ravallion, 2008).

شاخص‌های استفاده شده در برآورد فقر غذایی

پس از آنکه خط فقر غذایی مشخص گردید، مرحله

می‌گیرد. این شاخص هر دو اصل یک شاخص خوب فقر را تأمین می‌کند. شاخص  $FGT$  مجموعه ای از شاخص‌های فقر است که توسط سه نفر Foster, Greer, Thorbecke (1984) معرفی گردیده است و به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$FGT = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left( \frac{z - X_i}{z} \right)^\alpha \quad (2)$$

$\alpha$  پارامتری است که شدت فقر را نشان می‌دهد. هر چه  $\alpha$  بزرگ‌تر انتخاب شود،  $FGT$  اهمیت (وزن) بیشتری به شدت فقر می‌دهد. در مطالعات تجربی مقدار  $\alpha$  بین صفر و دو در نظر گرفته می‌شود. شاخص  $FGT$  اصول موضوعه یک شاخص خوب را تأمین کرده و دارای ویژگی تجزیه پذیری نیز می‌باشد. به خاطر همین ویژگی شاخص  $FGT$  به طور گسترده ای در ادبیات اخیر فقر مورد توجه قرار گرفته و در تحقیقات کاربردی جایگاه خاصی پیدا کرده است.

### نتایج و بحث

#### برآورد وضعیت فقر در ایران

در این قسمت، وضعیت فقر در ایران با استفاده از شاخص‌های فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول (۵) نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۲، ۳۹ درصد جمعیت در مناطق روستایی کشور زیر خط فقر مطلق زندگی کرده‌اند. در مناطق شهری برای همان سال این رقم ۱۸ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۲ درصد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی به ۵۲ درصد و در مناطق شهری به ۳۰ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۳ در هر دو بخش شهری و روستایی شاهد کاهش فقر در میان خانوارها بوده ایم.

دارد به کسی که غنی‌تر است باید موجب افزایش شاخص فقر گردد.

همچنین یک شاخص مناسب برای اندازه گیری فقر دارای ویژگی تجزیه پذیری است که فقر کل را به عنوان جمع وزنی فقرهای موجود در زیر مجموعه های جمعیتی تبیین می‌نماید.

شاخص‌هایی را که در مطالعه حاضر استفاده گردیده است عبارتند از شاخص نسبت فقر<sup>۱</sup>،  $(FGT)$  Foster, Greer, Thorbecke و شاخص شکاف فقر<sup>۲</sup> که در زیر به معرفی اجمالی این سه شاخص پرداخته می‌شود.

شاخص نسبت افراد زیر خط فقر،  $H$  از رایج‌ترین شاخص‌های فقر می‌باشد که فقر را به عنوان نسبت جمعیت زیر خط فقر  $q$ ، به کل جمعیت  $n$  اندازه گیری می‌نماید. بطوریکه  $(H=q/n)$ .

مزیت مهم این شاخص در این است که به سادگی حتی برای غیر اهل فن قابل درک است. ولی این شاخص دو اصل مربوط به یک شاخص خوب را تأمین نمی‌کند. شاخص بعدی که مورد استفاده قرار گرفته است، شاخص شکاف فقر است. این شاخص به صورت زیر تعریف شده است.

$$P_{gap} = \frac{\sum_{i=1}^q (Z - X_i)}{nz} \quad (1)$$

که در آن  $Z$  خط فقر و  $X_i$  مصرف غذایی خانوار نام می‌باشد. شکاف فقر میزان پول و یا درآمدی که باید به افراد فقیر انتقال یابد تا فقر ریشه کن شود را اندازه

1. Headcount ratio
2. Poverty gap ratio

جدول ۵- وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۶۲-۱۳۸۳)

مناطق شهری			مناطق روستایی			سال
$FGT(\alpha)$	$P_{gap}$	H	$FGT(\alpha)$	$P_{gap}$	H	
۰.۳۴/۰	۰.۶۴/۰	۱۸۷/۰	۰.۸۱/۰	۱۵۰/۰	۳۹۱/۰	۱۳۶۲
۰.۴۶/۰	۰.۹۷/۰	۲۹۶/۰	۱۱۹/۰	۲۱۶/۰	۵۲۵/۰	۱۳۷۲
۰.۳۸/۰	۰.۷۸/۰	۲۳۶/۰	۰.۶۲/۰	۱۲۱/۰	۳۳۴/۰	۱۳۸۳
--درصد تغییر در شاخص‌های فقر--						
۰/۳۵	۸/۵۰	۸/۵۷	۸/۴۷	۶/۴۳	۳/۳۴	۷۲-۱۳۶۲
۳/۱۸-	۸/۱۹-	۳/۲۰-	۱/۴۸-	۷/۴۳-	۵/۳۶-	۸۳-۱۳۷۲
۳/۱۰	۰/۲۱	۷/۲۵	۴/۲۳-	۱/۱۹-	۷/۱۴-	۸۳-۱۳۶۲

نسبت فقر نشان می‌دهند. افزایش نسبتاً زیاد (۳۵ درصدی) در شاخص  $FGT(2)$  از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ نشان می‌دهد که افراد فقیر در انتهای خط فقر به نسبت کل فقرا کمتر آسیب دیده‌اند. چرا که بر اساس شاخص نسبت فقر این افزایش بیشتر بوده است.

در قسمت زیرین جدول (۵) تغییرات زمانی در شاخص‌های فقر مورد توجه قرار گرفته است. در بخش روستایی، بین سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۸۳ همه شاخص‌های فقر نشان دهنده کاهش فقر می‌باشند. اما در مناطق شهری در طول این مدت عمده شاخص‌های فقر افزایش در فقر را نشان می‌دهد.

با مقایسه آمار مربوط به مناطق روستایی و شهری ملاحظه می‌گردد که رواج و شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. بعلاوه، تغییرات در طول زمان در فقر روستایی بیشتر از فقر شهری است. توضیح این پدیده شاید این باشد که خانوارهای روستایی به شدت به درآمد ناشی از فعالیت‌های کشاورزی وابسته می‌باشند. این نیز به نوبه خود تحت تأثیر نوسانات آب و هوایی به ویژه خشکسالی می‌باشد، در حالی که خانوارهای شهری که درآمدشان از منابع غیر کشاورزی تأمین می‌شود تأثیر چندانی از نوسانات آب و هوایی نمی‌پذیرند.

جدول (۶) تغییرات زمانی درآمد سرانه افراد فقر و غیر فقیر را به طور جداگانه در مناطق روستایی و شهری نشان می‌دهد. در مناطق روستایی بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳ درآمد سرانه هر دو گروه فقیر و غیر فقیر به ترتیب ۳/۲ درصد و ۲۰ درصد افزایش داشته است. در همان دوره در مناطق شهری درآمد سرانه گروه فقیر ۲ درصد افزایش یافته در حالی که درآمد سرانه گروه غیر فقیر ۰/۸ درصد کاهش یافته است.

با نگاهی به شاخص‌های عمده فقر در مناطق روستایی ملاحظه می‌شود، شاخص‌های  $P_{gap}$  و  $FGT(2)$  روندی مشابه با شاخص  $H$  داشته ولی مقادیر متفاوتی را در طول زمان نشان می‌دهند. براساس شاخص  $FGT(2)$  در مناطق روستایی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ فقر از ۰/۰۸ به ۰/۱۲ افزایش یافته است (۴۸ درصد افزایش در مقایسه با ۴۳/۶ درصد افزایش بر حسب  $P_{gap}$ ). این بدین معنی است که وضعیت فقرا در طبقات زیرین خط فقر به نسبت کل فقرا بدتر شده لیکن بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۸۳ شیوع فقر کاهش یافته است. بر حسب شاخص نسبت فقر این کاهش ۳۶ درصد بوده و شاخص نسبت شکاف فقر و  $FGT(2)$  نیز به ترتیب ۴۴ و ۴۸ درصد کاهش در فقر مناطق روستایی را نشان می‌دهند.

در مناطق شهری، در سال ۱۳۶۲، بر حسب شاخص نسبت فقر، ۱۹ درصد جمعیت در زیر خط فقر قرار دارند. در سال ۱۳۷۲، به علت کاهش درآمد سرانه خانوارها، نسبت فقر به شدت افزایش یافته و به ۳۰ درصد جمعیت رسیده است (۵۸ درصد افزایش). این موضوع عمدتاً به علت سقوط درآمد سرانه خانوارها در مناطق شهری در این دوره بوده است. اگر دولت در این مقطع بارانه‌های گسترده‌ای را که برای کالاهای اساسی خانوارها می‌داد قطع می‌نمود، شدت فشار اقتصادی بیشتری بر روی خانوارهای فقیر تحمیل می‌گردید.

به دنبال اصلاحات اقتصادی و افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۸۳ درآمد سرانه خانوارها به شدت افزایش یافت، این به نوبه خود درصد خانوارهای زیر خط فقر را در مناطق شهری کشور کاهش داد. همچنین ملاحظه می‌شود، شاخص‌های  $P_{gap}$  و  $FGT(2)$  تغییرات زمانی مشابه، اما در اندازه‌های متفاوتی را نسبت به شاخص

جدول ۶- درآمد سرانه خانوارهای فقر و غیر فقیر مناطق شهری و روستایی (۱۳۶۲-۱۳۸۳)

مناطق روستایی			مناطق شهری		
تغییر در درآمد سرانه			تغییر در درآمد سرانه		
۱۳۶۲-۱۳۸۳			۱۳۶۲-۱۳۸۳		
درآمد سرانه (ریال)	درآمد سرانه (ریال)	درآمد سرانه (ریال)	درآمد سرانه (ریال)	درآمد سرانه (ریال)	درآمد سرانه (ریال)
۱۳۶۲	۱۳۷۲	۱۳۸۳	۱۳۶۲	۱۳۷۲	۱۳۸۳
۵۸۹۳۲۰	۵۶۴۰۵۷	۶۰۸۴۷۰	۳۴۴۵۲۸	۳۲۰۳۴۰۲	۳۴۰۶۳۰۸
۱۹۹۶۷۶۰	۱۹۱۲۶۵۵	۲۴۰۱۰۵۷	۲۹۴۷۶۹۰	۲۵۰۹۱۰۶	۲۸۰۴۶۰۳
۱۴۴۶۴۱۷	۱۲۰۴۳۱۰	۱۸۰۳۲۷۰			
فقر					
غیر فقیر					
مجموع					

به همین ترتیب، با توجه به ۴۰ میلیون جمعیت شهری (۵۷ درصد جمعیت کشور) نسبت شکاف فقر ۰/۰۷۸ بدین معنی است که جهت ریشه کنی فقر در مناطق شهری، هر عضو غیر فقیر جمعیت ۷/۸ درصد درآمد خط فقر (۹۹۲۱۵ ریال) را به افراد زیر خط فقر منتقل نمایند که این به معنی انتقال ۴۰۰۰۰ میلیارد ریال است.

#### برآورد وضعیت فقر در حوزه آبریز کرخه

به منظور تحلیل تغییرات فقر در حوزه آبریز کرخه لازم است خانوارهای نمونه در داخل حوزه آبریز شناسایی گردند. با توجه به اینکه فقط مجموعه داده‌های درآمد و هزینه خانوارها در سال ۱۳۸۳ حاوی مشخصات شهرستان بوده است، لذا صرفاً داده‌های همین سال برای تعیین مکان جغرافیایی اطلاعات خانوارها در حوزه آبریز و زیر حوزه‌های آن مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول (۷) جدول مقایسه‌ای بین وضعیت فقر در حوزه آبریز کرخه و کل کشور را ممکن می‌سازد. چنانکه ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۳ در مناطق روستایی، رواج و شدت فقر در حوزه آبریز کرخه کمتر از کل کشور است. بر اساس شاخص نسبت فقر در همان سال در حوزه آبریز کرخه فقط ۳۰ درصد از خانوارها زیر خط فقر زندگی کرده‌اند در حالی که همین شاخص برای کل کشور ۳۳ درصد بوده است. شدت فقر که به وسیله شاخص *FGT* اندازه‌گیری می‌شود نیز تفاوت عمده‌ای بین فقر در داخل حوزه آبریز و کشور نشان می‌دهد (۰/۰۴۶ در مقابل ۰/۰۶۲). یک توضیح ممکن برای چنین اختلافی می‌تواند با نگاه به متوسط بارش در مناطق روستایی حوزه و مقایسه آن با متوسط بارش بدست آید. بررسی‌های آب و هوایی حوزه آبریز مبین آن است که متوسط بارش در حوزه بیشتر از متوسط بارش در کل کشور است.

در مناطق شهری، برعکس مناطق روستایی، رواج فقر در حوزه آبریز کرخه اندکی بیشتر از متوسط کشوری است در حالی که عمق فقر در مناطق شهری حوزه آبریز کرخه با مناطق شهری کل کشور برابر است.

تفاوت در تغییرات دوره ای درآمد سرانه مناطق روستایی و شهری و نیز تفاوت‌های تغییرات دوره ای در درآمد سرانه خانوارهای فقیر و غیر فقیر نشان دهنده آن است که در مناطق روستایی گروه‌های غیر فقیر بیشترین افزایش را (۲۰ درصد) را بین سال ۱۳۶۲ و ۱۳۸۳ کسب نموده‌اند. طی همان دوره درآمد سرانه اقشار فقیر تنها اندکی بهبود یافته است.

محاسبات جدول (۶) راهنمای مفیدی به منظور طراحی و هدف‌گذاری سیاست‌های مداخله دولت در راستای فقرزدایی ارایه می‌دهد. نتایج فوق نشان می‌دهد که با توجه به گسترش و شدت فقر در هر دو بخش لازم است تلاش‌های جدی به منظور زدودن فقر در کشور انجام گیرد. از طرف دیگر شاهد این واقعیتیم که فقر در مناطق روستایی بسیار گسترده است و این مستلزم توجه بیشتر به فقر زدایی از مناطق روستایی است.

اندازه  $P_{gap}$  در جدول (۵) تخمین مفیدی در مورد حجم منابع مورد نیاز جهت زدودن فقر ارایه می‌دهد. برای مثال، در سال ۱۳۸۳، شکاف فقر ۰/۱۲ در مناطق روستایی بدین معنی است که برای اینکه فقر در مناطق روستایی زوده شود لازم است افراد این بخش ۱۲ درصد از خط فقر (۱۱۴۷۹۰ ریال) را به افرادی که در زیر خط فقر قرار دارند منتقل نمایند. با در نظر گرفتن ۲۵ میلیون نفر جمعیت روستایی، این موضوع مستلزم انتقال ۲۸۷۰ میلیارد ریال می‌باشد. به عبارت دیگر، این مبلغ درآمدی است که باید در میان فقرا ایجاد شود تا فقر ریشه کن گردد.

در یک فرض خوش‌بینانه چنانچه درآمدی که از طریق رشد اقتصادی ایجاد می‌شود به صورت برابر بین فقرا تقسیم گردد، درآمد ایجاد شده باید معادل ۲۸۷۰ میلیارد ریال باشد تا فقر به کلی در مناطق روستایی ریشه کن گردد. با توجه به اینکه ساکنین مناطق روستایی ۴۳ درصد جمعیت کشور می‌باشند، مبلغ فوق ۲/۲ درصد درآمد ناخالص داخلی را در سال ۱۳۸۳ تشکیل می‌دهد. البته با فرض واقع‌بینانه تر وضعیت توزیع درآمد بین جمعیت، رشد درآمد مورد نیاز جهت ریشه کن کردن فقر افزایش خواهد یافت.

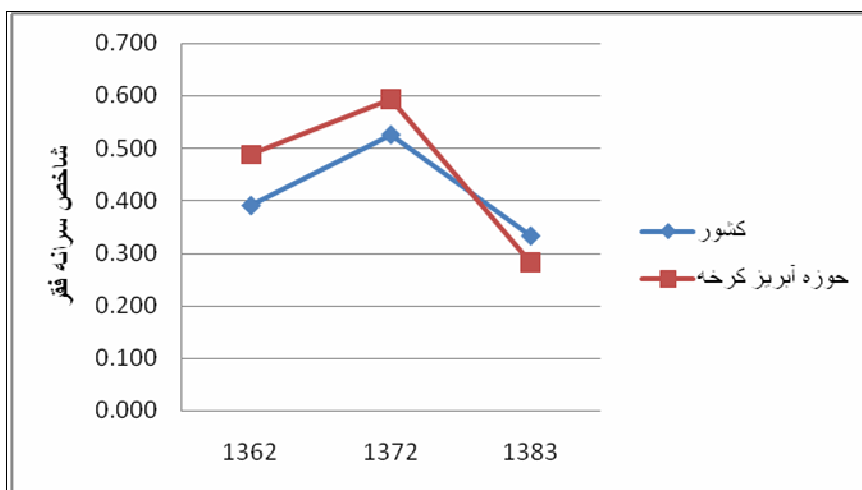
جدول ۷- وضعیت فقر در حوزه آبریز کرخه در سال ۱۳۸۳

مناطق روستایی				مناطق شهری			
درآمد سرانه	H	P <sub>gap</sub>	FGT(۲)	درآمد سرانه	H	P <sub>gap</sub>	FGT(۲)
۱۸۰۵۶۲۵	۳۰۴/۰	۰۹۹/۰	۰۴۶/۰	۲۶۰۵۱۴۸	۲۷۱/۰	۰۷۹/۰	۰۳۵/۰
۱۸۰۳۲۷۰	۳۳۳۵/۰	۱۲/۰	۰۶۲/۰	۲۸۰۴۶۰۳	۲۳۵۵/۰	۰۷۸/۰	۰۳۸/۰

برای مشخص کردن تغییرات دوره ای، شاخص نسبت فقر به تفکیک برای مناطق روستایی و شهری در شکل (۱) و نمودار (۲) ارائه شده است. همان طوری که در نمودار (۲) به وضوح مشخص است، شاخص نسبت فقر در سال ۱۳۷۲ در حوزه آبریز کرخه افزایش یافته است. این افزایش کمی بیشتر از افزایش شاخص نسبت فقر در کل کشور است. اما در سال ۱۳۸۳ شاهد کاهش گسترده‌ای در شاخص نسبت فقر در مناطق روستایی حوزه آبریز کرخه و کل کشور می‌باشیم. در این سال شاخص نسبت فقر در حوزه آبریز کمی پایین‌تر از کل کشور قرار گرفته است.

جدول (۷) همچنین نشان می‌دهد درآمد سرانه در مناطق روستایی حوزه آبریز کرخه (۱۸۰۵۶۲۵ ریال) بیشتر از درآمد سرانه مناطق روستایی کل کشور (۱۸۰۳۲۷۰ ریال) می‌باشد. برعکس در مناطق شهری درآمد سرانه کشور بیشتر از درآمد سرانه حوزه آبریز کرخه می‌باشد.

برای ملاحظه تغییرات فقر در طول یک دوره ۲۰ ساله شاخص‌های فقر در جدول (۸) ارائه شده است. همان طوری که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۷۲ رواج فقر در مناطق روستایی حوزه آبریز به شدت افزایش یافته است. در حالی که در سال ۱۳۸۳ فقر در هر دو منطقه شهری و روستایی کاهش یافته است.

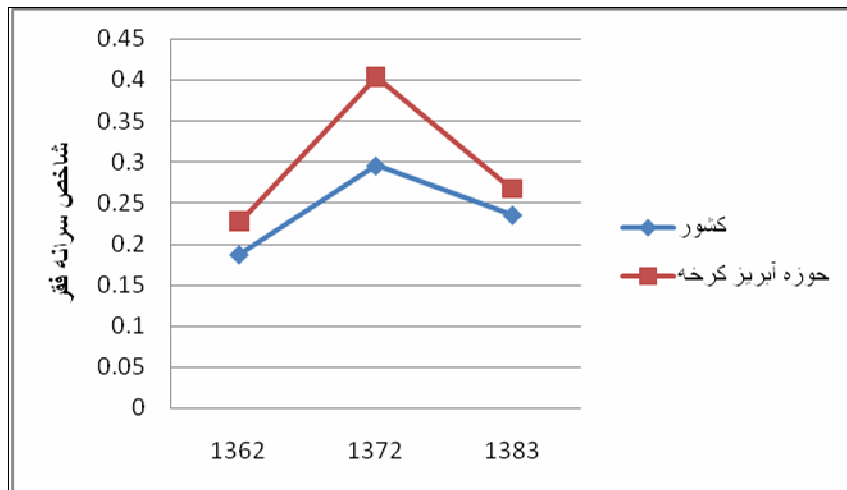


شکل ۱- شاخص نسبت فقر در مناطق روستایی حوزه آبریز کرخه و کشور

متوسط مناطق شهری کشور است. اگر چه این تفاوت در سال ۱۳۸۳ تا حدودی کاهش یافته است.

همان طوری که در شکل (۲) ملاحظه می‌گردد، در مناطق شهری حوزه آبریز کرخه، در هر سه دوره، وضعیت فقر بر اساس شاخص نسبت فقر بیشتر از





شکل ۲- شاخص نسبت فقر در مناطق شهری حوزه آبریز کرخه و کشور

دنبال آن در سال ۱۳۸۳ شاخص نسبت فقر در مناطق شهری حوزه آبریز کرخه همگام با متوسط کشوری کاهش یافته است.

بررسی رخ داده است. اندازه تغییر در فقر مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. در طول دوره، یعنی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳ مجموعه شاخص‌ها نشان دهنده کاهش فقر در منطقه روستایی حوزه آبریز کرخه می‌باشد. طی این دوره منطقه روستایی ۴۲ درصد کاهش در شاخص نسبت فقر و منطقه شهری ۱۸ درصد کاهش در همان شاخص را تجربه کرده است.

همچنان که قبلاً نیز اشاره گردید، در طول سال ۱۳۶۲ به علت بروز جنگ دولت کنترل شدیدی روی بخش‌های مختلف اقتصاد اعمال می‌نمود که شامل ارایه حداقل معیشت برای همه خانوارها در کشور بود، این به نوبه خود یک چتر حمایتی را از طریق سهمیه بندی کالاهای اساسی برای آحاد مردم ایجاد کرده بود. علاوه بر این، در این دوره کشور یک تورم تک رقمی را تجربه می‌کرد، پدیده ای که در طول ۲۰ سال گذشته پایین‌ترین رقم بود. همه این عوامل به کاهش رواج فقر در سال ۱۳۶۲ کمک می‌کردند. در سال ۱۳۷۲، سیاست آزادسازی اقتصادی توسط دولت وقت بکار گرفته شد، این سیاست همراه با تورم بالاتر از ۴۰ درصد منجر به کاهش درآمد سرانه و رواج فقر در سراسر کشور گردید. البته، دولت سرمایه گذاری‌های بسیار زیادی را در پروژه‌های زیربنایی نظیر سدسازی، احداث نیروگاه،

تغییرات دوره ای در شاخص نسبت فقر در مناطق شهری حوزه آبریز کرخه نیز حکایت از افزایش سریع‌تر از متوسط کشوری فقر در سال ۱۳۷۲ داشته است. به

جدول ۸- وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی حوزه آبریز کرخه (۱۳۶۲-۱۳۸۳)

سال	مناطق روستایی			مناطق شهری		
	FGT(۲)	Pgap	H	FGT(۲)	Pgap	H
۱۳۶۲	۰.۳۹/۰	۰.۷۶/۰	۲۲۷/۰	۰.۹۴/۰	۱.۸۲/۰	۴۸۸/۰
۱۳۷۲	۰.۶۵/۰	۱.۴۰/۰	۴۰.۴/۰	۱.۱۲/۰	۲.۲۲/۰	۵۹۳/۰
۱۳۸۳	۰.۳۵/۰	۰.۸۰/۰	۲۶۷/۰	۰.۴۱/۰	۰.۹۰/۰	۲۸۳/۰
درصد تغییر در شاخص‌های فقر--						
۱۳۶۲-۷۲	۵/۶۸	۴/۸۳	۲/۷۸	۱/۱۹	۲/۲۲	۶/۲۱
۱۳۷۲-۸۳	۰/۴۶-	۱/۴۳-	۹/۳۳-	۲/۶۳-	۶/۵۹-	۳/۵۲-
۱۳۶۲-۸۳	۰/۹-	۴/۴	۸/۱۷	۲/۵۶-	۶/۵۰-	۰/۴۲-

بخش زیرین جدول (۸) جدول درصد تغییرات در شاخص‌های فقر را ارایه می‌دهد. از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ همه شاخص‌های فقر در مناطق روستایی و شهری افزایشی را در سطح فقر در حوزه آبریز کرخه نشان می‌دهند. تغییرات در رواج فقر که به وسیله شاخص نسبت فقر اندازه گیری می‌گردد در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است (۷۸ درصد). تغییرات مورد نظر در مناطق روستایی ۲۲ درصد بوده است. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۳، کاهش شدیدی در هر دو منطقه شهری و روستایی بر اساس همه شاخص‌های مورد

یافته است. این پدیده می‌تواند به خاطر رکود اقتصادی در این دوره و کاهش درآمدهای نفتی در سایه جنگ باشد. چنانچه دولت وقت سیاست‌های حمایتی خود را از اقشار کم درآمد به واسطه یارانه های اعطا شده به کالاهای اساسی اعمال نمی‌کرد، اثرات اقتصادی رکود اقتصادی بر اقشار کم درآمد می‌توانست اثرات جدی‌تری نیز داشته باشد.

طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۲، فقر در هر دو بخش کاهش نشان داد. این تغییر می‌تواند در سایه سیاست‌های تعدیل اقتصادی که توسط دولت در این دوره انجام گردید، تحقق یابد. نتایج فوق شاید برای تبیین علیت بین سیاست‌های تعدیل اقتصادی و تأثیرات جوی بر روی فقر کافی نباشد، اما از نتایج فوق می‌توان دو موضوع را استنباط نمود. اول اینکه، رواج فقر در کشور به طور عام و در مناطق روستایی به طور خاص می‌تواند به طور فاحشی از یک دوره به دوره دیگر تغییر یابد. این به معنی پویایی اساسی در پدیده فقر است. به عبارت دیگر اگر فقر به سرعت می‌تواند تحت عواملی گسترش یابد، به همان سرعت نیز امکان بر طرف کردن فقر وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود پدیده فقر به طور منظم و دوره ای توسط مراجع ذیربط مورد ارزیابی قرار گیرد. دوم اینکه، افزایش شدید فقر در مناطق روستایی در سال ۱۳۷۲ بدین معنی است که عوامل تأثیر گذار بر فقر و سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه توسعه روستایی باید با جدیت بیشتری مورد بررسی قرار گیرند.

در مجموع بین سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۸۳ شدت فقر در مناطق روستایی کاهش قابل ملاحظه ای داشته است، در حالی که در طول همین مدت، در مناطق شهری شاهد افزایش فقر به میزان ۲۶ درصد می‌باشیم. در مناطق شهری و روستایی حوزه آبریز کرخه، طی دوره ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ فقر بطور هماهنگ لیکن با اندکی تفاوت نسبت به کل کشور افزایش یافته است، اما در سال ۱۳۸۳ فقر در کل کشور و نیز حوزه آبریز کرخه به شدت کاهش یافته است.

صنایع پتروشیمی، گسترش راه‌ها، فرودگاه‌ها و بنادر در کشور انجام داد، اما بسیاری از این پروژه‌ها زمان زیادی نیاز داشتند تا به ثمر برسند و برخی از پروژه های عمرانی نیز به خاطر ضعیف بودن مطالعات امکان سنجی بعدها نیمه تمام رها گردیدند و دولت‌های بعدی نیز حمایت گسترده ای از چنین پروژه‌هایی به عمل نیاوردند.

در سال‌های منتهی به ۱۳۸۳، دولت سیاست تعدیل اقتصادی را بجای آزاد سازی اقتصادی بکار گرفت و این منجر به افزایش درآمد خانوارها گردید. از سال ۱۳۷۹ به بعد که اقتصاد ایران نرخ رشد ۵ تا ۶ درصدی را در سال تجربه می‌کرد، تورم به ۱۵ درصد در مقایسه با ۴۰ درصد اوایل دهه ۷۰ رسید و درآمد کشور به واسطه افزایش بهای نفت در اثر جنگ در خلیج فارس افزایش یافت. همه این عوامل منجر به بالا رفتن درآمد سرانه و کاهش فقر در همه مناطق کشور گردید.

#### نتیجه گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر به بررسی تغییرات وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی حوزه آبریز کرخه در مدت ۱۳۸۳-۱۳۶۲ پرداخته است. ابتدا مسایل عمده مربوط به اندازه گیری خط فقر و شاخص‌های فقر دنبال مطرح گردید. سپس خط فقر بر مبنای تغذیه متوازن برای مناطق روستایی و شهری کشور به طور جداگانه برآورد گردید و نیز شاخص‌های مختلف فقر برای نشان دادن رواج و شدت فقر بکار گرفته شد. به طور کلی یافته های این تحقیق به صورت زیر خلاصه می‌گردند

در ایران خط فقر محاسبه شده برای مناطق روستایی کمتر از خط فقر شهری است. اما گسترش فقر در مناطق روستایی بیشتر از شیوع آن در مناطق شهری است. با توجه به اینکه فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری می‌باشد نتیجه فوق دور از انتظار نمی باشد. بین سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۷۲ بر اساس همه شاخص‌های برآورد شده، در هر دو بخش روستایی و شهری شاهد افزایش فقر می‌باشیم. فقر در مناطق شهری در طول این مدت ۵۸ درصد افزایش

## REFERENCES

1. Alkire, S. & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of public economics* 95(7): 476-487.

2. Arabmazar, A. & Hosseinienejad, S. (2004). Estimates of the Extent and Severity of Poverty among Various Employments Groups in the Rural Area of Iran. *Agricultural Economics and Development*. 28, 113-140. (In Farsi)
3. Assadzadeh, A. (2003). Estimates of Food Poverty line for Eastern Azerbaijan. *Journal of the Faculty of Humanities*, 3, 484-504. (In Farsi)
4. Christiaensen, L. & Shorrocks, A. (2012). Measuring poverty over time. *Journal of Economic Inequality*: 1-7.
5. Foster, J., Greer, J., & Thorbecke, E. (1984), A Class of Decomposable Poverty Measures, *Econometrica*, 52(1).
6. Orshansky, M. (1988). Another Look at the Poverty Profile , *Social Security Bulletin*, 51 (10), 25-51.
7. Pirae, K., Shafiee, S.(2001). Measuring Poverty among Households in Mazandaran Province. *Economic Research*, 1, 35-49. (In Farsi)
8. Ravallion, M. (2008). Dollar a Day Revisited, *World Bank Working Papers*, from: [http://works.bepress.com/martin\\_ravallion/13/](http://works.bepress.com/martin_ravallion/13/)
9. Ravallion, M. (2011). On multidimensional indices of poverty. *Journal of Economic Inequality*. from: [http://works.bepress.com/martin\\_ravallion/25/](http://works.bepress.com/martin_ravallion/25/)
10. Sen, A. K (1976). Poverty: An Ordinal Approach to Measuremen, *Econometrica*, 44 (2), 219-31.
11. Sen, A. K (1983). Poor, Relatively Speaking, *Oxford Economic Papers*, 35, 153-69.
12. Statistical Centre of Iran (1992). *Household Budget Survey Questionnaire*, Department of Financial Statistics and National Accounts.
13. Statistical Centre of Iran (SCI). *the Current Population Census*, 1991.
14. Torkamani, J. & Jamalimogaddam, E. (2008). Investigating Direct and Indirect Effects of Government Capital Investment on Total Factor Productivity and Poverty Reduction in the Urban Area of Iran. *Quarterly Journal of Village and Development*, 11(4), 1-24. (In Farsi)